



Afghanistan's Collective Identity in the Social Media Sphere: A Modern Hermeneutic Perspective

Dr. Sayeed Ebrahim Darwishan

Senior Researcher in Communication Sciences and Lecturer at Milli University, Kabul

Email: darwishian.ebraheem@gmail.com

ORCID: 0000-0003-1506-5491

Dr. Ataullah Fazil

lecturer in the English Department at Kateb University – Kabul

Email: ataullah.fazil84@gmail.com

ORCID: 0009-0004-8888-6340

Abstract

Article type:

Research Article

Article history:

Received:

November 20, 2025

Accepted:

January 17, 2026

Published Online:

February 18, 2026

Keyword:

Dialogue, diplomacy, existential understanding, fusion of horizons, Gadamer, philosophical hermeneutics.

In the contemporary era, social media have evolved beyond mere communication platforms into a pivotal digital life-world, where socio-political realities are discursively constructed, contested, and reified. This research investigates the intricate configurations of Afghanistan's collective identity within the Facebook sphere, specifically focusing on the interpretive encounters of Afghan users with external geopolitical stimuli. Grounded in the theoretical framework of Modern Hermeneutics, the study employs Thematic Analysis to decipher the "horizons of understanding" through which users negotiate the statements of foreign political actors. The central problematic explores how these digital mediations interface with national sovereignty, ethnic pluralism, and the dialectics of "Self and Other". The findings elucidate that Afghan collective identity is not a static entity but a fluid and contested construct, perpetually renegotiated through the lens of political autonomy and anti-hegemonic resistance. Analysis reveals that ethnic narratives function as a primary pre-understanding, significantly mediating the representation of national identity and shaping the interpretive response to global power dynamics. While the emergence of a "modern identity" - rooted in universal human values and critical civic consciousness - is discernible among certain segments, it remains profoundly entangled within entrenched structural fault lines. Ultimately, the study demonstrates that in the face of external events, Afghan users fragment into distinct interpretive communities, where the fusion of individual positionality and collective memory dictates the trajectory of identity formation in the virtual realm.



نبراس
فصلنامه علمی - پژوهشی
شماره ۱۲، زمستان ۱۴۰۴
ویژه سپهر هرمنوتیک معاصر



هویت جمعی افغانستان در شبکه‌های اجتماعی

از منظر هرمنوتیک مدرن

دکتر سید ابراهیم درویشیان

پژوهشگر ارشد علوم ارتباطات و استاد در دانشگاه ملی، افغانستان

Email: darwishian.ebraheem@gmail.com

ORCID: 0000-0003-1506-5491

دکتر عطاالله فاضل

استاد زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه کاتب، افغانستان

Email: atallah.fazil84@gmail.com

ORCID: 0009-0004-8888-6340

چکیده

شبکه‌های اجتماعی به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بازنمایی رویدادهای اجتماعی و سیاسی و شکل‌گیری معنا و گفتمان در جوامع معاصر تبدیل شده‌اند. این پژوهش به بررسی بازنمایی هویت جمعی افغانستان در شبکه اجتماعی فیسبوک در مواجهه با رویدادهای بیرونی می‌پردازد. مسئله اصلی تحقیق، چگونگی صورت‌بندی واکنش‌ها و تفسیرهای کاربران افغانستانی نسبت به اظهارنظرهای سیاست‌مداران خارجی و نسبت این واکنش‌ها با هویت ملی، هویت قومی و نگرش‌های نوین نسبت به تعامل‌های خارجی است. چارچوب نظری پژوهش بر هرمنوتیک مدرن استوار است و داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون تحلیل شده‌اند. تمرکز تحقیق بر واکنش کاربران فیسبوک به موضع‌گیری‌های خارجی درباره وضعیت افغانستان بوده و مؤلفه‌هایی چون هویت ملی، هویت قومی، استقلال سیاسی، سلطه خارجی، دادوستدهای اقتصادی، همدردی و حسن نیت شناسایی و تفسیر شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که هویت قومی یکی از مناقشه‌برانگیزترین محورهای گفتمان اجتماعی و سیاسی در شبکه‌های اجتماعی افغانستان است و روایت‌های قومی به‌طور معناداری بر بازنمایی هویت ملی و نگرش کاربران نسبت به سیاست‌های کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی اثر می‌گذارند. بر بنیاد نتایج، کاربران در مواجهه با رویدادهای بیرونی به گروه‌های متکثر تقسیم می‌شوند و هویت‌های متفاوتی را برمی‌گزینند که ریشه در جایگاه اجتماعی و سیاسی آنان دارد. در عین حال، نشانه‌هایی از ظهور نوعی هویت مدرن مبتنی بر ارزش‌های انسانی و نگاه انتقادی به سلطه خارجی مشاهده می‌شود، هرچند این گرایش‌ها همچنان تحت تأثیر شکاف‌های قومی و ساختار سیاسی موجود قرار دارند.

تاریخچه مقاله

دریافت: ۲۹ عقرب (آبان)

۱۴۰۴

پذیرش: ۲۷ جدی (دی)

۱۴۰۴

انتشار آنلاین: ۲۸ دلو (بهمن)

۱۴۰۴

واژگان کلیدی:

شبکه‌های اجتماعی،
گفتمان مجازی، هویت
ملی، هویت قومی،
هرمنوتیک

ناشر: مؤسسه مطالعات و تحقیقات نبراس

مقدمه:

هویت جمعی شاخصی است که بر اساس آن یک کتله بزرگ جمعیتی شناخته می‌شود و همچون چتر کلان برای شناسایی یک کتله بزرگ، دربرگیرنده هر فرد جامعه است؛ با این حال، به معنای زدودن یا نفی هویت فردی نیست. هویت جمعی مجموعه‌ای از شاخص‌هاست که بر اساس آن به یک کتله بزرگ جمعیتی معنا بخشیده می‌شود. این شاخص‌ها دربرگیرنده رسم‌ها، قومیت، زبان، رواج‌ها، سرزمین، قانون، غذا، لباس، رنگ، نگرش، باورها، حقوق و مسئولیت‌ها می‌باشند (بیات و برزیان، ۱۳۹۷). هویت به صورت انتزاعی، برگرفته از کنش متقابل نمادین است که در آن «خود» رکن اصلی شکل‌گیری هویت به شمار می‌رود (بوستانی، ۱۳۹۰).

در عصر کنونی، هویت جمعی متأثر از فرایندها و جریان‌های گوناگون است. جهانی‌شدن یکی از فرایندهای تأثیرگذار بر بازاندیشی هویت فردی و جمعی به شمار می‌آید. همچنان رسانه‌ها، به شمول رسلنه‌های جدید، افراد، به‌ویژه جولنان را به بازاندیشی در هویت فردی و جمعی ترغیب می‌کنند (بوستانی، ۱۳۹۰). شبکه‌های اجتماعی، همان‌گونه که می‌توانند فرصت‌هایی برای هم‌گرایی ملی و تقویت هویت جمعی فراهم سازند، در عین حال می‌توانند به تهدیدی برای هویت جمعی نیز بدل شوند. کشورهایی که دارای تکرر خرده‌فرهنگ‌ها هستند، بیش از دیگر جوامع با بحران هویت جمعی مواجه اند. برای نمونه، اندونیزیا به دلیل عواملی چون جهانی‌شدن و تجددگرایی، نابرابری‌های منطقه‌ای، تضادهای قومی و مذهبی، نبود دانش چندفرهنگی و تأثیر رسانه‌ها، با بحران هویت جمعی روبه‌رو شده است (Efendi et al, 2023 & Manurung et al, 2022). همچنین، شهروندان افغانستان یکی از بزرگ‌ترین کتله مهاجران در کشورهای منطقه و جهان را تشکیل می‌دهند و مهاجرت تأثیر چشمگیری بر هویت جمعی آنان گذاشته است. در بسیاری از موارد، شهروندان افغانستان در کشورهایی چون پاکستان و ایران با عنوان‌هایی مانند «آواره»، «مهاجر»، «سرگردان»، «پناهنده» و «مسافر» خطاب می‌شوند (Abbasi & Monsutti, 2023). اهمیت این برچسب‌های هویتی از آن‌روست که در درون افغانستان نیز برخی شهروندان به دلیل بیان باورها، نگرش‌ها و شیوه‌های فکری خود در شبکه‌های اجتماعی با عنوان‌هایی مشابه، مانند «مهاجر»، نام‌گذاری می‌شوند. این انقطاب هویتی نشان می‌دهد که «همذات‌پنداری خود با فضایل و حق و دیگری با شر و بدی و امتداد دادن دوگانگی‌های خیر و شر در مرزهای تفاوت اجتماعی بر پایه رنگ و نژاد و باور و بینش رخ می‌دهد» (وفایی زاده، ۱۴۰۴: ۲۷).

از سوی دیگر، با توجه به سطح دسترسی به منابع، افراد در کشورهای توسعه‌نیافته با چالش‌های گوناگونی چون نابرابری‌های اجتماعی و شغلی، وجود تبعیض، محدودیت دسترسی به اطلاعات، و تأثیرگذاری اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مواجه اند (بیات بهرام و برزیان، ۱۳۹۷؛ قاضی رهبر و

دیگران، ۱۳۷۹؛ نوابخش و دیگران، ۱۳۹۲). این چالش‌ها فرد را با پرسش هویت جمعی روبه‌رو می‌سازد و زمینه‌ساز ارائه تفسیرهای متفاوت از هویت کلان اجتماعی می‌شود.

مسئله اصلی این است که در جوامعی که با نبود برابری اجتماعی و شغلی مواجه اند و در شرایط عصر دهکده جهانی و فرایند جهانی‌شدن قرار دارند، هویت جمعی گروه‌های قومی چگونه احراز می‌شود. برای پاسخ به این پرسش، بحث هرمنوتیک جدید در تبیین و احراز هویت جمعی مطرح می‌گردد. هرمنوتیک ریشه‌ای یونانی دارد و به معنای تفسیر و تأویل به کار رفته است. گونه‌های مختلف این مفهوم ناظر بر به فهم درآوردن امر یا موقعیت مبهم می‌باشند (موسوی، ۱۳۸۶؛ عابدی سرآسیا، ۱۳۹۵). هرمنوتیک پیش از دوره مدرن، یعنی تا پیش از اواخر قرن نوزدهم، بیشتر به معنای شرح معنا یا اگسچسیز^۱ در متون دینی به کار گرفته می‌شد (علمی سولا، ۱۳۸۵).

هرمنوتیک مدرن با فردریش شلایرماخر در اواخر قرن نوزدهم، با هدف گسترش هرمنوتیک سنتی و تبدیل آن به روشی تعیین‌کننده در شکل و ساختار علوم اجتماعی و علوم انسانی، مطرح گردید (علمی سولا، ۱۳۸۵). به توضیح علمی سولا (۱۳۸)، شلایرماخر به این دلیل بنیان‌گذار هرمنوتیک مدرن دانسته می‌شود که هرمنوتیک را از تفسیر صرف متن به سوی شناخت فرایند تفسیر تحول داد؛ روندی که در ادامه با اندیشه‌های دیلتای توسعه یافت. هرمنوتیک جدید تأکید می‌کند که نخست، معنای یک متن مستقل از نیت نگارنده آن است؛ دوم، یک متن می‌تواند دارای بی‌نهایت تفسیر معتبر باشد، به شرط آن‌که از دایره زبان فراتر نرود؛ به این معنا که در چارچوب معقول معنای واژه‌ها و اصطلاح‌ها، کنایه‌ها و استعاره‌ها قرار داشته باشد و در متن، تناقض درونی وجود نداشته باشد؛ و سوم، یک خواننده می‌تواند متن را حتی بهتر از نگارنده تفسیر کند (علمی سولا، ۱۳۸۵).

با توجه به این سه اصل بنیادین در هرمنوتیک جدید، این پژوهش به بررسی نمودهای بیرونی معنا در شبکه اجتماعی فیسبوک می‌پردازد و ابراز نظریات کاربران را از سه منظر تحلیل می‌کند: تفسیر پست‌ها مستقل از نیت پست‌کننده، تفسیر خود ابراز نظرها، و تفسیر پست‌ها در نسبت با جایگاه اجتماعی و گفتمانی نظردهندگان، تا سازوکار شکل‌گیری معنا در کنش‌های تفسیری کاربران روشن شود.

بحث اصلی این مقاله به بررسی هویت‌های اجتماعی در فضای مجازی اختصاص دارد که از منظر هرمنوتیک جدید تحلیل می‌شوند. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که: آیا گفتمان فضای مجازی شهروندان افغانستان به سوی شکل‌گیری هویت اجتماعی جمعی حرکت می‌کند، یا هر شهروند با توجه به موقعیت اجتماعی خود، تفسیر مستقل‌تری از رویدادها و موارد بیرونی ارائه می‌دهد؟

برای پاسخ به این پرسش، تفسیر داده‌ها بر اساس سه اصل کلیدی هرمنوتیک جدید انجام شد: استقلال معنا از نیت نویسنده، امکان ارائه تفسیرهای متنوع و معتبر از متن، و توانایی

1. exegesis

تفسیرکننده در ارائه تفسیری فراتر از تفسیر نویسنده. چنین رویکردی امکان می‌دهد تا پیچیدگی‌های هویت اجتماعی در فضای مجازی به‌طور دقیق و چندوجهی مورد کاوش قرار گیرد و نشان دهد که هویت اجتماعی نه تنها محصول فرد است، بلکه در تعامل با دیگران و متون محیطی شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود.

نکته مهم دیگر در این پژوهش آن است که چگونگی شکل‌گیری و تفسیر هویت جمعی شهروندان افغانستان در بستر شبکه‌های اجتماعی سنجش شده و نسبت آن با اصول هرمنوتیک مدرن بررسی می‌شود. با توجه به تنوع فرهنگی و تاریخی افغانستان، این پژوهش همچنین به تحلیل تعاملات میان فرهنگی و تأثیر آن‌ها بر تفسیر هویت‌های اجتماعی افراد در فضای دیجیتال می‌پردازد. چنین فرایندی بر محدود کردن دایره تساهل و همبستگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد و مانع از شکل‌گیری یک هویت جمعی فراگیر می‌شود، به گونه‌ای که تنوع فرهنگی، قومی و اجتماعی، به‌جای نقطه قوت، به ابزار تبعیض و تضعیف اعتماد میان گروه‌ها تبدیل می‌شوند.

این تحقیق می‌تواند به درک عمیق‌تری از چگونگی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت اجتماعی شهروندان افغانستان یاری رساند و نشان دهد که چگونه اصول هرمنوتیک مدرن می‌توانند در تفسیر و تحلیل این هویت‌ها در بستر دیجیتال مؤثر واقع شوند. همچنین، این پژوهش به بررسی چگونگی شکل‌گیری معانی جدید در تعامل‌های فرهنگی و اجتماعی در عصر دیجیتال می‌پردازد.

بیان مسئله و پرسمان پژوهش

در وضعیت کنونی، شبکه‌های اجتماعی به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بازنمایی معنا، شکل‌گیری گفتمان و تولید هویت‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند. این فضاها مجازی نه تنها امکان بیان دیدگاه‌های فردی را فراهم می‌کنند، بلکه به میدان منازعه و بازتعریف هویت‌های جمعی، به‌ویژه در جوامع بحران‌زده و دارای تنوع و چندگانگی اجتماعی، بدل شده‌اند. افغانستان، با تنوع قومی، زبانی و فرهنگی گسترده و تجربه طولانی از جنگ، مداخلات خارجی و فروپاشی نهادهای سیاسی، بیش از بسیاری از جوامع دیگر با مسئله هویت جمعی و بحران در بازنمایی آن مواجه است. در چنین بستری، فیسبوک به فضای اصلی گفت‌وگو، تقابل و تفسیر رویدادهای اجتماعی و سیاسی برای کاربران افغانستانی تبدیل شده است.

واکنش کاربران به رویدادهای بیرونی - از جمله اظهارنظر سیاست‌مداران خارجی، تصمیم‌های نهادهای بین‌المللی و رخدادهای مرتبط با مهاجران - بیشتر با ارجاع به مؤلفه‌هایی مانند هویت قومی، هویت ملی، استقلال سیاسی، سلطه خارجی و ارزش‌های انسانی همراه است. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که هویت جمعی در افغانستان نه یک امر تثبیت‌شده، بلکه پدیده‌ای سیال، مناقشه‌برانگیز و در حال بازتعریف است. پروبلماتیک اصلی این پژوهش از این واقعیت برمی‌خیزد که در فضای مجازی

افغانستان، به جای شکل‌گیری یک هویت جمعی فراگیر، اغلب شاهد برجسته‌شدن روایت‌های قومی، غلبه دوگانگی‌های «ما و دیگری» و تفاسیر متعارض از رویدادهای واحد هستیم؛ وضعیتی که گاه به تکثر و شکاف هویتی دامن می‌زند و گاه نشانه‌هایی از گرایش به همگرایی و ظهور نوعی هویت مدرن را بروز می‌دهد.

با وجود گسترش پژوهش‌ها درباره رسانه‌های اجتماعی در افغانستان، پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اکثر مطالعات یا با رویکرد کمی انجام شده‌اند و یا تنها به تحلیل ساختاری رسانه‌ها بسنده کرده‌اند. در این میان، خلأ پژوهشی در زمینه تحلیل فرایند «تفسیر معنا» از سوی کاربران مشاهده می‌شود. فهم هویت جمعی در فضای مجازی، بدون توجه به منطق تأویل، پیش‌فرض‌های تفسیری و جایگاه اجتماعی - سیاسی مفسر، امکان‌پذیر نیست.

از این رو، این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظری هرمنوتیک مدرن و روش تحلیل مضمون، به دنبال پاسخ به پرسش بنیادینی است: کاربران افغانستانی چگونه رویدادهای بیرونی را در فیسبوک تفسیر می‌کنند و این تفاسیر چه نسبتی با بازنمایی، تضعیف یا بازتعریف هویت جمعی دارد؟. به بیان دیگر، مسئله اساسی این تحقیق بررسی این موضوع است که هویت جمعی در فضای مجازی افغانستان چگونه در تعامل میان «متن»، «مفسر» و «زمینه اجتماعی» تولید و بازتولید می‌شود و چرا این فرایند در بسیاری از موارد، به جای وفاق اجتماعی، به شکل‌گیری گفتمان‌های متعارض و تقابل‌های هویتی منجر می‌شود.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این مقاله بررسی چگونگی شکل‌گیری و تفسیر هویت جمعی شهروندان افغانستان در مواجهه با رویدادها و پدیده‌های بیرونی در بستر شبکه‌های اجتماعی، با تکیه بر هرمنوتیک مدرن است. این پژوهش در پی آن است که نشان دهد کاربران افغانستانی چگونه از طریق تفسیر رویدادهای بیرونی، به بازنمایی و بازتعریف هویت‌های جمعی خود در فضای مجازی معنا می‌بخشند و آن‌ها را تثبیت می‌کنند.

در راستای این هدف اصلی، اهداف فرعی زیر دنبال می‌شود:

الف. بررسی چگونگی استفاده شهروندان افغانستان از شبکه‌های اجتماعی برای بیان، بازنمایی و تقویت هویت‌های اجتماعی و فرهنگی، با تمرکز بر محتواهای منتشرشده و الگوهای تعامل کاربران، به منظور آشکار ساختن سازوکارهای تولید معنا در این فضا.

ب. تحلیل نقش اصول هرمنوتیک مدرن در تفسیر محتوای اجتماعی و فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی و تبیین این موضوع که این رویکرد تفسیری چگونه به درک چندلایه و زمینه‌مند از هویت جمعی یاری می‌رساند و افق‌های فهم را گسترش می‌دهد.

ج. شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از حضور و کنشگری کاربران در شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با بیان هویت جمعی و بررسی تأثیر این عوامل بر تقویت، تضعیف یا تکثر هویت‌های اجتماعی در بستر دیجیتال.

د. تحلیل تأثیر تعامل‌های فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی بر درک اجتماعی، همبستگی فرهنگی و شکل‌گیری گفتمان‌های هویتی در افغانستان و تبیین نسبت این تأثیرها با تفسیرهای هرمنوتیکی کاربران در مواجهه با رویدادهای بیرونی، به‌گونه‌ای که پیوند میان کنش تفسیری و ساخت هویت روشن شود.

پیشینه پژوهش

پیشینه این تحقیق در دو بخش پیشینه مفهومی و پیشینه تجربی تنظیم شده است. در بخش پیشینه مفهومی، مفاهیم کلیدی به‌کاررفته در پژوهش تعریف و تبیین می‌شوند تا چارچوب نظری مطالعه روشن شود و خواننده بتواند تحلیل‌ها را با دقت دنبال کند. در بخش پیشینه تحقیقی، مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع بررسی و ارزیابی شده و جایگاه پژوهش حاضر در میان مطالعات پیشین مشخص می‌شود.

الف. پیشینه مفهومی

هرمنوتیک

هرمنوتیک رویکردی تفسیری است که در تقابل با رویکردهای اثبات‌گرا و مبتنی بر تحلیل‌های آماری، بر فهم و تأویل معنا در امور انسانی تأکید دارد. این مفهوم به‌عنوان نظریه تأویل متون دینی و انسانی در عصر مدرن شکل گرفته و به تدریج به یکی از مبانی روش‌شناختی علوم انسانی تبدیل شده است (اشراق، ۱۳۹۱؛ علمی سولا، ۱۳۸۵). برخلاف دیدگاه‌های اثبات‌گرا که دانش را مبتنی بر واقعیت‌های قابل مشاهده و اثبات تجربی می‌دانند (ملکیان، ۱۳۹۷؛ درویشیان، ۱۴۰۲)، هرمنوتیک بر نقش مفسر، زمینه اجتماعی و فرایند تفسیر تأکید می‌ورزد. به‌طور خلاصه، هرمنوتیک را می‌توان فلسفه تأویل معنا دانست (George, 2025).

بررسی ادبیات هرمنوتیک نشان می‌دهد که این مفهوم در متون فلسفی و روش‌شناختی معانی و کاربردهای متعددی یافته است. به‌طور کلی، شش کاربرد اصلی برای هرمنوتیک قابل شناسایی است:

۱. نظریه تفسیری متون دینی
۲. روش‌شناسی عام فهم متون
۳. دانش تنوع فهم زبانی نزد شلایرماخر
۴. مبنای روش‌شناختی علوم انسانی در اندیشه دیلتای
۵. پدیدارشناسی فهم وجود در فلسفه هایدگر
۶. نظام‌های تأویل در آثار پالمر (جشوقانی، ۱۴۰۲)

در این پژوهش، هرمنوتیک مدرن بر سه اصل اساسی استوار است: نخست، تفسیر متن مستقل از نیت نگارنده آن است؛ دوم، یک متن می‌تواند تفاسیر متعدد و معتبر داشته باشد، مشروط بر آن‌که از چارچوب زبان فراتر نرود؛ و سوم، خواننده در برخی موارد می‌تواند متن را بهتر از نگارنده آن تفسیر کند (علمی سولا، ۱۳۸۵). بر پایه این اصول، واکنش‌ها و دیدگاه‌های کاربران شبکه اجتماعی فیسبوک نسبت به رویدادهای بیرونی مرتبط با افغانستان، موضوع تحلیل و تأویل هرمنوتیکی قرار گرفته است.

هویت جمعی

هویت جمعی به حس مشترک تعلق، وابستگی و همبستگی میان اعضای یک گروه اجتماعی اشاره دارد که برای حفظ انسجام و تداوم کنش جمعی در طول زمان اهمیت اساسی دارد (Fominaya, 2010)، این مفهوم همچنین به شکل‌گیری احساس همبستگی در نهادها و سازمان‌ها مرتبط است و تحت تأثیر عوامل ساختاری و نهادی قرار می‌گیرد. هویت جمعی نقش مهمی در تقویت مشارکت اجتماعی، وفاداری گروهی و کنش‌های داوطلبانه ایفا می‌کند و برای کارکرد مؤثر نهادهای اجتماعی ضروری است (Hoeijmakers, 2025). بر این اساس، تقویت هویت جمعی و به‌ویژه هویت ملی، مستلزم توجه به عواملی چون عدالت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و شغلی است.

مورد بیرونی

منظور از مورد بیرونی در این پژوهش، خبرها و محتوایی است که در شبکه اجتماعی فیسبوک و توسط رسانه بی بی سی افغانستان منتشر شده و شامل اظهارنظر یا موضع‌گیری مقام‌های رسمی کشورهای دیگر درباره افغانستان است. نمونه‌هایی از این موارد عبارت‌اند از اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، درباره پایگاه هوایی بگرام، سخنان اسحق داری، وزیر خارجه پاکستان، درباره بازگشایی مرز افغانستان و پاکستان، و گزارش‌هایی پیرامون رویدادهای مرتبط با شهروندان مهاجر افغانستان در کشورهای دیگر. این موارد به‌عنوان متن‌های مرجع برای تحلیل واکنش‌های کاربران انتخاب شده‌اند.

ب. پیشینه تحقیقی

قاضی رهبر و همکاران (۱۳۷۹) در پژوهشی تحت نام "رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و دگرگونی هویت‌های جمعی" که در شهر اصفهان انجام شد، به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در دگرگونی هویت اجتماعی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر ابعاد مختلف هویت یکسان نیست؛ به‌گونه‌ای که بیشترین تأثیر بر هویت مدرن و کمترین تأثیر بر هویت ملی مشاهده شده است.

جنی دیویز و تونی لائو (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «هویت اجتماعی جمعی: تلفیق نظریه‌ی هویت و نظریه‌ی هویت اجتماعی با استفاده از داده‌های دیجیتال»، تبیین می‌کنند که هویت جمعی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از «نظریه‌ی هویت اجتماعی»^۱، با فرآیند شناسایی کنشگران پیوند خورده و با مفاهیم هویت گروهی در ارتباط است. این پژوهش، هویت جمعی را نوعی هویت گروهی مفهوم‌سازی کرده و بدین ترتیب، مجموعه‌های کنشگر را وارد مدل‌های نظری هویت می‌کند. نویسندگان با آزمون این مدل بر روی هویت «وگن»^۲، نشان دادند که تأیید هویت چگونه بر واکنش‌های احساسی و رفتارهای فردی در جنبش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. از همین رو، آن‌ها پیشنهاد می‌کنند «با مفهوم‌سازی هویت جمعی به عنوان یک حلقه‌ی پیوند، می‌توان همگرایی میان نظریه‌ی هویت و نظریه‌ی هویت اجتماعی را که از برنامه‌های پژوهشی برجسته‌ی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی هستند، به‌بوته‌ی آزمایش گذاشت» (Davis & Love, 2019: 254).

آهنگری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با رویکرد ترکیبی که بر روی جوانان تهرانی انجام شد، نشان دادند که استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی تأثیر معناداری بر هویت ملی، قومی، ارتباطی و مدرن دارد، اما بر هویت دینی تأثیر معناداری مشاهده نشد. این پژوهش از نظریه‌ی جامعه‌ی شبکه‌ای مانوئل کاستلز بهره گرفته است.

اویسال و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ی درباره‌ی شکل‌گیری هویت اعتراضی در ترکیه نشان دادند که راهبری هویت اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی به سازمان‌یابی گروه‌های معترض و تثبیت هویت آنان می‌انجامد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که هویت جمعی شکل‌گرفته در فضای مجازی می‌تواند به کنش جمعی در عرصه‌ی اجتماعی منجر شود.

خیریه و نتسیر (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «دینامیسم اجتماعی و نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به هویت جمعی»^۳ در اندونزی، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و مصاحبه‌های عمیق دریافتند که شبکه‌های اجتماعی بستر حیاتی برای تکوین اجتماعات مجازی فراهم می‌آورند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که کاربران از طریق تولید و بازنشر محتوای مبتنی بر ارزش‌های مشترک، به تقویت هویت جمعی می‌پردازند. با این حال، تنوع محتوایی و تفاوت در تجربه‌های زیسته می‌تواند به‌طور هم‌زمان منجر به همبستگی یا تفرقه در مسیرهای پیچیده‌ای شود که از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌روند؛ به گونه‌ای که «این امر مسیرهای جدیدی را برای همکاری و همبستگی میان گروه‌های متنوع گشوده و اجازه می‌دهد جنبش‌هایی ظهور کنند که خواستار تغییرات اجتماعی هستند» (Khaeriyah & Natsir, 2024: 56).

در همین راستا، احسان و همکاران (۲۰۲۴) در یک پژوهش چندرشته‌ای به بررسی تأثیرات متنوع رسانه‌های اجتماعی بر جوانان افغانستان پرداختند. این نظرسنجی آنلاین که با مشارکت ۱۵۵۶ نفر

1. Social Identity Theory (SIT)

۲. وگن (Vegan) به افرادی گفته می‌شود که از هیچ‌یک از محصولات و فرآورده‌های حیوانی استفاده نمی‌کنند.

3. Social Dynamics the Role of Social Media in Shaping Collective Identity (2024)

انجام شد، نشان‌دهنده ارتباط معنادار میان استفاده از رسانه‌های اجتماعی و عوامل جمعیتی و رفتاری است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فیسبوک با ۸۳.۶ درصد، پرکاربردترین پلتفرم در میان جوانان است. همچنین این تحقیق به چالش‌هایی نظیر اضطراب بالا (۷۸.۵٪) و افسردگی متوسط (۳۸.۳٪) در میان کاربران اشاره کرده و بر لزوم مداخلات هدفمند برای ترویج عادت‌های دیجیتال سالم تأکید می‌ورزد (Ehsan et al., 2024).

در نهایت، فینسی (۲۰۲۵) در پژوهشی مبتنی بر هرمنوتیک انتقادی در اندونزی نشان می‌دهد که مناظره‌های سیاسی در شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه آن‌هایی که بر زبان نفرت و تنش‌های مذهبی و قومی استوارند، مانع از شکل‌گیری درک میان‌ذهنی^۱ می‌شوند و فضای گفتگوهای سازنده را محدود می‌کنند.

چهارچوب نظری و مدل تحلیلی

چهارچوب نظری این مطالعه مبتنی بر

را به دقت بررسی کند شبکه‌های اجتماعی با موارد بیرونی مرتبط با افغانستان را به دقت بررسی کند هرمنوتیک مدرن است، که به عنوان یک رویکرد تأویلی، بر فهم معنا و تفسیر متن‌ها در بستر اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد. این رویکرد سه اصل کلیدی دارد:

۱. استقلال معنا از نیت نگارنده: معنا و مفهوم یک متن، فارغ از نیت نویسنده، قابل تفسیر است.

۲. امکان تفسیرهای متعدد و معتبر: یک متن می‌تواند بی‌نهایت تفسیر صحیح داشته باشد، مشروط بر آنکه از دایره زبان و مفاهیم متن فراتر نرود.

۳. برتری تفسیر خواننده بر نگارنده: خواننده می‌تواند با تحلیل زمینه‌ای و فرهنگی، متن را عمیق‌تر و چندبعدی‌تر از نویسنده تفسیر کند (علمی سولا، ۱۳۸۵).

بر اساس این اصول، مدل تحلیلی این تحقیق (نمایه ۱) طراحی شده تا تعامل کاربران شبکه‌های اجتماعی با موارد بیرونی مرتبط با افغانستان.

چهارچوب تحلیلی

در این مدل، ابتدا یک مورد بیرونی - مانند پست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا، در شبکه اجتماعی فیسبوک - انتخاب و بازنشر می‌شود. این مورد به عنوان محرک یا نقطه آغاز تعاملات کاربران در نظر گرفته می‌شود. سپس کاربران، دیدگاه‌ها و نظرات خود را نسبت به این پست به اشتراک می‌گذارند. تمامی نظرات کاربران، از منظر هرمنوتیک مدرن و با تمرکز بر اصول فوق تحلیل می‌شوند

^۱. intersubjective

تا بازتاب هویت جمعی و فردی کاربران مشخص گردد. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که چگونه کاربران، در مواجهه با اطلاعات و اخبار خارجی، هویت‌های خود را انتخاب و بازنمایی می‌کنند.



نمایه ۱: مدل تحلیلی هویت جمعی کاربران از منظر هرمنوتیک جدید در مواجهه به مورد‌های بیرونی

فرضیه‌ها و پیش‌بینی‌ها

کاربران هنگام ابراز نظر نسبت به موارد بیرونی، آگاهانه یا ناآگاهانه هویت‌های ملی، قومی، مدرن و دینی را انتخاب می‌کنند.

تفاوت زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی کاربران، تنوع تفسیرها و درجه انطباق با هویت جمعی را تعیین می‌کند.

تعامل‌های فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی، علاوه بر شکل‌دهی به هویت فردی، می‌توانند بازتاب‌دهنده گرایش‌های جمعی و همبستگی اجتماعی نیز باشند.

این چارچوب نظری و تحلیلی، زمینه را برای تحلیل محتواهای شبکه‌های اجتماعی فراهم می‌کند و امکان بررسی عمیق نقش تعاملات فرهنگی در بازنمایی هویت جمعی در افغانستان را فراهم می‌آورد.

روش‌شناسی پژوهش

برای بررسی هویت جمعی افغانستان در شبکه‌های اجتماعی از منظر هرمنوتیک مدرن، روش‌های متعددی به کار گرفته شد تا پاسخ دقیق به پرسش‌های پژوهش ارائه شود. در این

مطالعه، شبکه اجتماعی فیسبوک به عنوان بستر تحلیل کیفی محتوای مرتبط با هویت جمعی در افغانستان انتخاب گردید.

تحلیل محتوای کیفی، تکنیکی است که داده‌ها را به صورت متن، تصویر، کاریکاتور و عبارات جمع‌آوری و تحلیل می‌کند. این روش بر این فرض استوار است که از طریق تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به معانی، نگرش‌ها و اولویت‌های کاربران دست یافت (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰؛ تبریزی، ۱۳۹۳؛ قانیدی و گلشنی، ۱۳۹۵).

داده‌های جمع‌آوری شده برای شناسایی مضمون‌های کلیدی در پست‌ها و واکنش کاربران کدگذاری شد. فرآیند تحلیل شامل سه مرحله بود:

۱. کدگذاری اولیه: هر واکنش متنی (به جز نظرهای طولانی) به عنوان یک کد در نظر گرفته شد.

۲. استخراج مفهوم: از کدها، مفهوم‌ها شکل گرفتند.

۳. تحلیل مضمون: از مجموع مفهوم‌ها، مضمون‌های کلیدی که معرف هویت جمعی کاربران بودند، شناسایی شدند.

روش هرمنوتیک مدرن برای تفسیر معانی نهفته در داده‌ها به کار گرفته شد. این روش شامل بررسی پیش‌فرض‌ها، بافت فرهنگی و اجتماعی و معانی مشترک کاربران می‌شود. همچنین، با توجه به اصول هرمنوتیک مدرن، زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی افغانستان و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری هویت جمعی مورد تحلیل قرار گرفت.

انتخاب نمونه‌ها: نمونه‌های مورد مطالعه شامل موارد بیرونی با اهمیت اجتماعی و سیاسی بودند، از جمله:

- خبر بازپس‌گیری پایگاه نظامی بگرام توسط ایالات متحده آمریکا،
- درخواست سازمان ملل متحد از پاکستان برای بازگشایی مرز میان افغانستان و پاکستان،
- درگذشت یکی از زخمیان حادثه تیراندازی واشنگتن^۱.

این نمونه‌ها از منظر هرمنوتیک مدرن مورد تحلیل عمیق قرار گرفتند تا تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری و تغییر هویت جمعی در افغانستان بررسی شود.

روش تحلیل مضمون: داده‌ها از طریق فرآیند معمول شامل آشنایی با داده‌ها، کدگذاری، استخراج مضمون‌ها، ارتباط میان مضمون‌ها و نهایی‌سازی تحلیل شدند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). علاوه بر آن، از ابزارهای هوش مصنوعی برای کلاسه‌بندی،

^۱ اشاره به واقعه تیراندازی «لکنوال»، شهروند افغانستان، به نیروهای گارد ملی ایالات متحده در واشنگتن؛ در این حادثه دو نفر به شدت زخمی شدند که یکی از آن‌ها بر اثر جراحات وارده جان باخت.

تحلیل مضمون و تحلیل معنایی استفاده شد تا دقت و صحت تحلیل افزایش یابد و خطا در کدگذاری و مضمون‌سازی کاهش یابد.

در مجموع، ۳ نمونه مرتبط با هویت جمعی و ۳۰۲۰ کامنت به‌عنوان گفتمان میان‌فرهنگی در شبکه اجتماعی فیسبوک مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل، هویت جمعی کاربران در مواجهه با موارد بیرونی را بازتاب می‌دهد که در بخش یافته‌ها به تفصیل توضیح داده شده است.

چالش‌های پژوهش و استراتژی انتخاب نمونه

۱. چالش روش‌شناختی: تحلیل دیدگاه‌ها بر مبنای هرمنوتیک جدید به دلیل چندلایگی معنایی و وابستگی به زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی، با دشواری‌های تفسیری همراه بود.

۲. معیار گزینش: برای ارتقای دقت و اعتبار، نمونه‌ها به صورت هدفمند از صفحه بی‌بی‌سی دری (بر اساس بالاترین میزان تعامل و ارتباط مستقیم با مسائل افغانستان) انتخاب شدند.

۳. تبیین رویکرد: این پژوهش به جای اکتفا به داده‌های خام، بر فهم و بازنمایی معنا در بستری متکثر تمرکز دارد.

۴. توجیه روش‌شناختی: انتخاب این رسانه فراگیر، امکان تحلیل کنش‌های تفسیری کاربران را در فضایی پویا فراهم کرده و مبنای منطقی انتخاب داده‌ها را تبیین می‌کند.

تحلیل و تفسیر داده‌ها:

جدول ۱: مضمون‌های کلیدی نظرات ارائه شده - ۱۵۰۰ کامنت - در پیوند با ادعای بازپس‌گیری پایگاه بگرام توسط دونالد ترامپ.

| کدها | توضیح | مضمون |
|---------------------|--|----------------------------|
| اشغال و سلطه‌گری | اشاره به تاریخچه حضور قدرت‌های خارجی به ویژه آمریکا در افغانستان دارد و کاربران معتقد اند که این حضور به معنای نابودی منابع انسانی و اقتصادی کشور است. | انتقاد از اشغال و سلطه‌گری |
| قدرت و سیاست مداران | سیاست‌مداران داخلی و خارجی اغلب به منفعت خود فکر می‌کنند. بررسی روابط قدرت و تأثیر آن | |

| | | |
|---|--|--------------------------|
| <p>بر جامعه مدنی و کیفیت زندگی مردم از موردهای کلیدی این بحث است.</p> | <p>آزادی و استقلال</p> | |
| <p>تأکید بر نیاز به استقلال و خودکفایی افغانستان و مخالفت با هر نوع نفوذ خارجی داشته و به تمایل مردم برای ایجاد حکومت مستقل و مشروع اشاره دارد.</p> | <p>تأثیرهای فرهنگی</p> | |
| <p>تأثیرهای فرهنگی و دینی بر سیاست‌های اجتماعی و ساختار دولت را به نمایش می‌گذارد و توصیف می‌کند که چگونه فرهنگ و دین می‌توانند هم حامی و هم مانع پیشرفت باشند.</p> | <p>نفوذ خارجی</p> | |
| <p>به تأثیرهای و سیاست‌های سایر کشورها به ویژه در زمینه مسئله‌های داخلی اشاره دارد و سیاست‌های مداخله‌جویانه و وابستگی‌های بین‌المللی را بررسی می‌کند.</p> | <p>هویت جمعی</p> | |
| <p>هویت و ملت</p> | <p>هویت ملی شهروندان افغانستان و چالش‌های مرتبط با هویت‌های مختلف را تحلیل می‌کند. هم‌چنان تأکید بر اهمیت وحدت و یک پارچگی در میان اقوام مختلف افغانستان دارد.</p> | |
| <p>تأکید بر ارزش‌ها و افتخارات قومی در افغانستان دارد و هویت مستقل‌تر برای قوم‌ها ارائه می‌کند.</p> | <p>هویت قومی</p> | |
| <p>هویت‌های کاذب موجود در جامعه و چالش‌های ایجاد شده برای هویت جمعی و ملی می‌پردازد. تمرکز بر این است که چگونه این هویت‌ها ممکن است به تفرقه ختم شود.</p> | <p>هویت‌های کاذب</p> | |
| <p>دعوت به همبستگی و همگرایی</p> | <p>ضرورت همبستگی و وحدت میان اقوام و نژادهای مختلف افغانستان را برجسته می‌کند و اهمیت ایجاد حکومت فراگیر و مردمی را زیر ذره‌بین قرار می‌دهد.</p> | <p>همبستگی و همگرایی</p> |

تجربه مشترک به اهمیت تجربه‌های مشترک و تاریخی مردم افغانستان اشاره دارد. تأکید کاربران بر این است که تجربه کنونی باید بر مبنای گذشته به منظور تلاش برای آینده‌ای بهتر باشد.

جدول ۱: تحلیل مضمونی واکنش‌ها به ادعای بازپس‌گیری پایگاه هوایی بگرام توسط رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا

این جدول نه تنها واکنش کاربران را نشان می‌دهد، بلکه چالش‌ها و مؤلفه‌های کلیدی هویت جمعی افغانستان در تاریخ معاصر را نیز بازتاب می‌دهد.

۱. هویت قومی و بازپس‌گیری بگرام: برخی گروه‌ها، با محوریت هویت قومی، بازپس‌گیری بگرام را به‌عنوان اشغال دوباره تعبیر می‌کنند و بر پیامدهای مخرب اشغال و سلطه‌گری بر منابع انسانی و اقتصادی تأکید دارند.
 ۲. آزادی و استقلال: گروهی دیگر معتقدند که آزادی واقعی در افغانستان هنوز حاصل نشده و دستیابی به آن نیازمند خودمختاری بدون دخالت بیرونی است. زمینه‌سازی برای حکومت مردمی و اشتراک مساوی شهروندان از الزامات اصلی این رویکرد است.
 ۳. انتقاد از سیاستمداران: کاربران انتقادهای گسترده‌ای از سیاستمداران داخلی و خارجی مطرح می‌کنند، که اغلب منفعت شخصی را بر منفعت عمومی ترجیح می‌دهند.
 ۴. نفوذ خارجی و همگرایی جمعی: نفوذ بازیگران خارجی و سیاست‌های مداخله‌جویانه، همراه با ضرورت همگرایی جمعی و احترام به هویت‌های قومی، از دیگر مؤلفه‌های کلیدی در تحلیل هویت جمعی محسوب می‌شوند.
 ۵. هویت‌های کاذب و همبستگی میان اقوام: شناسایی هویت‌های کاذب و تشویق به همبستگی و همکاری میان اقوام مختلف به‌عنوان ابزار کلیدی برای ساختن آینده‌ای مشترک مطرح شده است.
 ۶. بازنگری در تجربه تاریخی: توجه به تجربه مشترک تاریخی و بازنگری در آن می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌دهی به آینده‌ای روشن‌تر و پایدارتر ایفا کند.
- این تحلیل نشان‌دهنده پیوند میان هویت، قدرت و فرهنگ در جامعه افغانستان است و ضرورت یک رویکرد تحلیلی و انتقادی برای درک شرایط کنونی و برنامه‌ریزی برای آینده را برجسته می‌کند.

جدول ۲: تحلیل واکنش کاربران شبکه اجتماعی فیسبوک (۹۷۳ کامنت) به درخواست سازمان ملل متحد برای بازگشایی مرز میان افغانستان و پاکستان

| کدها | توضیح | مضمون |
|------------------------|--|---|
| مخالفت با بازگشایی مرز | اکثر کاربران به صراحت اعلام کردند که تجربه تاریخی و نمی‌خواهند مرز با پاکستان باز شود. این نشان آگاهی از پی‌آمدهای می‌دهد که کاربران، تمایلی برای کاهش آینده وابستگی به پاکستان دارند. | تجربه تاریخی و نمی‌خواهند مرز با پاکستان باز شود. این نشان آگاهی از پی‌آمدهای می‌دهد که کاربران، تمایلی برای کاهش آینده وابستگی به پاکستان دارند. |
| عدم اعتماد سازمان ملل | بسیاری از کاربران نسبت به سازمان ملل و نقش آن در مسائل افغانستان بی‌اعتمادی دارند و بیان-گر نارضایتی از عملکرد سازمان ملل و سیاست‌های آن در پیوند به افغانستان است. | حقوق بشر و منفعت ملی |
| ضرر اقتصادی | اشاره به خسارت‌های اقتصادی ناشی از بسته بودن مرز و تأثیر آن بر تاجران افغانستان، نشان‌دهنده احساسات قوی نسبت به اثرهای اقتصادی تصمیم‌های سیاسی است. | خواست استقلال و خودکفایی |
| تولیدهای محلی | کاربران بر این نکته تأکید کرده‌اند که نیازی به کالاهای پاکستانی ندارند و باید بر تولیدات داخلی تکیه کنند؛ موضوعی که نشانه‌ای از فرهنگ و هویت داخلی است. | |

جدول ۲: تحلیل واکنش کاربران شبکه اجتماعی فیسبوک (۹۷۳ کامنت) به درخواست سازمان ملل متحد برای بازگشایی مرز میان افغانستان و پاکستان

تحلیل نشان می‌دهد که بیشتر کاربران به جای اصطلاح «خط دیورند»، واژه «مرز» را به کار برده‌اند. در میان نزدیک به هزار نظر تحلیل‌شده، تنها موارد محدودی از تعبیری مانند «خط فرضی» یا «خط دیورند» مشاهده شد. یکی از نکات برجسته این یافته‌ها، مخالفت گسترده و شدید کاربران با سازمان ملل متحد است. کاربران انتقادات خود را به موارد زیر معطوف کرده‌اند:

۱. انفعال سازمان ملل در زمان بمباران بخش‌هایی از افغانستان توسط پاکستان
 ۲. کشته شدن زنان و کودکان
 ۳. عدم پیگیری مطالبات افغانستان در فصل برداشت انگور
- در عین حال، کاربران از بسته‌ماندن مرزها به‌عنوان ابزاری برای حمایت از تولیدات داخلی حمایت می‌کنند، هرچند این سیاست موجب افزایش قیمت برخی مواد خوراکی و خسارت اقتصادی برای تاجران افغانستانی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کاربران خواهان استقلال و خودکفایی کشور و کاهش وابستگی به بیگانگان هستند و نهادهای بین‌المللی، از جمله سازمان ملل، را مسئول بخشی از مشکلات موجود می‌دانند. حفظ حقوق ملی، تقویت تولیدات بومی و انسداد کنترل‌شده مرزها، از نظر کاربران، می‌تواند در بلندمدت به نفع افغانستان باشد.
- در نهایت، می‌توان استنتاج کرد که مردم افغانستان از سیاست‌های پاکستان به ستوه آمده‌اند و بر این باورند که حکومت نیز باید این نیاز و فشارها را در سیاست‌گذاری‌های خود لحاظ کند.
- جدول ۳: تحلیل واکنش کاربران شبکه اجتماعی فیس‌بوک (۵۵۰ کامنت) به درگذشت «سارا برکسود» در پی تیراندازی یک شهروند افغانستانی

| مضمون | توضیح | کدها |
|----------------------|---|-----------------------|
| مسئولیت و عدالت فردی | ابراز همدردی برای قربانی و خانواده او؛ «برای این زن جوان امریکایی و خانواده داغدارش خیلی متأثر شدم» | احساس انسانی و همدردی |
| | درخواست برای عدالت و شفافیت در محاکمه؛ «جرم، مسئولیت فرد است». | دعوت به عدالت |
| توطئه و اشتباه سیاسی | انتقاد از زلمی خلیل‌زاد و سیاست‌های او؛ «ترامپ سخت در اشتباه است». | انتقادهای سیاسی |
| | یادآوری کشتارهای شهروندان افغانستان در زمان جمهوریت و مقایسه با جنایت‌های فردی؛ «دولت و رسانه‌های امریکا قتل‌ها را جنایت شخصی دانستند». | جنایت جنگی |

تیوری توطیه علیه تیراندازی توسط یک مأمور سیا انجام شده است؛
مهاجران «این توطئه علیه مهاجران است».

نابرابری در پوشش اشاره به توجه رسانه‌ها به مرگ دو گارد ملی آمریکا
خبری در مقایسه با قربانیان شهروندان افغانستان در زمان
جمهوریت؛ «حرف از دو آمریکایی است».

تضادهای فرهنگی تفکیک و تحقیر قوم خاص؛ «هدف قرارداد یک تفاوت تباری
و قومی قوم خاص در افغانستان تنها بر اساس رفتار یک
فرد».

جدول ۳ نشان می‌دهد که شهروندان افغانستان نسبت به این رویداد واکنش‌های متفاوت و چندلایه‌ای داشته‌اند که بیانگر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و فکری هویت جمعی آنان است. بخش نخست واکنش‌ها شامل ابراز همدردی، غم‌شریکی و نکوهش عمل خشونت‌آمیز است که از یک رویکرد انسان‌محور نشأت می‌گیرد. بسیاری از کاربران با توجه به تجربه زیسته خشونت و بی‌عدالتی در افغانستان بر ضرورت برقراری عدالت تأکید کرده و معتقدند که عمل یک فرد نباید به کل جامعه افغانستان تعمیم داده شود. در بخش دوم، نظرات کاربران به انتقاد از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا اختصاص یافته است. این دسته از کاربران اقدامات آمریکا، به‌ویژه مداخلات نظامی-سیاسی این کشور در طول ۲۰ سال حضور در افغانستان را اشتباه، قوم‌گرایانه و عامل گسترش افراط‌گرایی می‌دانند. از دیدگاه آنان، سقوط جمهوریت، نادیده گرفتن قربانیان بومی و سیاست‌های نادرست نظامی-سیاسی از اشتباهات راهبردی آمریکا به شمار می‌رود. همچنین، کاربران هشدار داده‌اند که قدرت رسانه‌ای آمریکا با پوشش ویژه این حادثه می‌تواند افکار عمومی را علیه مهاجران افغانستانی بسیج کند. نکته برجسته این تحلیل، نشانه‌گیری قومیت خاص و متهم کردن آن به خشونت و افراط‌گرایی در فضای رسانه‌ای است، که تهدیدی برای انسجام و هویت جمعی مهاجران به حساب می‌آید. در مجموع، تحلیل این واکنش‌ها نشان می‌دهد که کاربران همزمان همدلی انسانی و نقد سیاسی-اجتماعی را در مواجهه با موارد بیرونی بازتاب داده‌اند و تلاش کرده‌اند هویت جمعی و انصاف اجتماعی را در فضای مجازی حفظ کنند.

مباحثه

در مقایسه با پیشینه پژوهش‌های موجود، یافته‌های ارائه‌شده در جداول ۱ تا ۳ تحلیل‌های قابل توجهی در زمینه هویت جمعی و تأثیرات اجتماعی-سیاسی در افغانستان ارائه می‌دهند.

این نتایج که بر اساس واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی و تحلیل محتوای دیدگاه‌های آنان به دست آمده‌اند، نشان‌دهنده تنوع و چندگانگی در درک و تفسیر موضوعات اجتماعی و سیاسی است.

بر اساس داده‌های جدول ۱، کاربران واکنش‌های متفاوتی نسبت به بازپس‌گیری میدان هوایی بگرام نشان داده‌اند. برخی این اقدام را «اشغال دوباره» توصیف کرده و بر آثار مخرب آن بر منابع انسانی و اقتصادی تأکید دارند، در حالی که گروه دیگری، متأثر از جایگاه اجتماعی و تجربه خود، بر ضرورت عدالت، مشارکت برابر و نقش رهبران فکری تمرکز کرده‌اند. این گروه با شکل‌دهی به یک «هویت معترض»، همسو با یافته‌های اوپس‌سال و همکاران (۲۰۲۲) و خیریه و نتسیر (۲۰۲۴) عمل می‌کند. ارائه تفاسیر متنوع از یک متن واحد، با نظریه هرمنوتیک و تأکید آن بر امکان تفسیر بی‌نهایت متن (علمی سولا، ۱۳۸۵) مطابقت دارد. افزون بر این، بازنگری در تجربه تاریخی مشترک و فراخوان برای همگرایی میان اقوام مختلف به عنوان نکته‌ای کلیدی در تحلیل هویت جمعی افغانستان مطرح می‌شود و با نتایج پژوهش فلسفه فومینایا^۱ (۲۰۱۰) همخوانی دارد. در نهایت، تحلیل واکنش‌ها نشان می‌دهد که تفاسیر ارائه شده ماهیت متنوع، مستقل و تأویل‌گرایانه دارند.

مطابق جدول ۲، جایگزینی واژه «مرز» به جای «خط دیورند» نشانگر تحول در هویت جمعی و تأکید بر استقلال ملی است؛ زیرا واژه «مرز» مرزبندی‌های رسمی جغرافیای سیاسی را به عنوان یک ملت واحد تثبیت می‌کند. از سوی دیگر، انتقاد شدید از سازمان ملل و عملکرد آن در مواجهه با چالش‌های تاریخی افغانستان، بازتاب نگرش منفی افکار عمومی نسبت به فعالیت‌های این نهاد است. تحلیل واکنش‌ها همچنین نشان می‌دهد که کاربران بر حمایت از تولیدات داخلی و صیانت از حقوق ملی تأکید دارند. این دیدگاه‌ها منجر به تقسیم کاربران به گروه‌های متفاوت و بازتولید هویت‌های قومی و محلی شده است. این یافته با نتایج مطالعه قاضی‌رهبر و همکاران^۲ (۱۳۷۹) که تأثیر ضعیف شبکه‌های اجتماعی بر هویت ملی و تأثیر قوی آن بر هویت مدرن را نشان می‌دهد، متفاوت است.

تحلیل محتوای فضای مجازی در افغانستان نشان می‌دهد که این رسانه‌ها برخلاف انتظار، به جای وفاق، به واگرایی هویت ملی دامن زده‌اند. این استنتاج، مؤید نتایج پژوهش فَنسی (۲۰۲۵) تحت عنوان «هرمنوتیک مباحثات شبکه‌های اجتماعی پیرامون سیاست هویت از منظر کنش ارتباطی»^۳ است. فَنسی با وجود اذعان به ظرفیت‌های پلتفرم‌های دیجیتال در تسهیل رقابت‌های دموکراتیک، نسبت به «انحراف گفتمان سیاسی» در پی اشاعه سیستماتیک

1. Collective Identity in Social Movements: Central Concepts and Debates (2010)

۲. رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و دگرگونی هویت‌های جمعی

3. Hermeneutics of social media debates on identity politics from the perspective of communicative action (2025)

اخبار جعلی و بیانات نفرت‌آمیز هشدار می‌دهد. یافته‌های وی که بر مبنای پارادایم کنش ارتباطی استوار است، گویای آن است که «مباحثات سیاسی در رسانه‌های اجتماعی اغلب مانع از شکل‌گیری یک اجماع بین‌الذهانی^۱ میان نویسندگان و خوانندگان می‌شود» (Fensi, 2025: 75) و بدین‌سان، امکان تفاهم جمعی را با چالش روبرو می‌کند.

جدول ۳ مؤلفه‌های هویت مدرن را از واکنش کاربران استخراج می‌کند. برای مثال، تفاوت در واکنش‌ها نسبت به یک رویداد مشخص (درگذشت سارا برکسود) بازتاب‌دهنده تنوع نگرش‌ها است. ابراز همدردی و غم‌شریکی کاربران نشانگر یک تجربه جمعی از خشونت و نیاز به عدالت است که به شکل‌گیری هویت مدرن‌تر منجر می‌شود و با نتایج پژوهش آهنگری و همکاران (۱۳۹۸) همسو است. نظریه هویت جمعی توضیح می‌دهد که چگونه مشاهدات فردی و انتقاد از عملکرد سیاست‌مداران به نگرش‌های جمعی تبدیل می‌شود. مضامین جدول ۳ نیز بر وجود چندگانگی هویتی صحنه می‌گذارند.

در مجموع، تحلیل‌های مستند نشان می‌دهد که هویت جمعی در افغانستان تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی در بازه‌های زمانی و موقعیت‌های مختلف قرار دارد. این نتایج پرسش‌های اساسی درباره شرایط معاصر افغانستان مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که تحلیل عمیق‌تر با تکیه بر اصول هرمنوتیک و ارتباط آن با پژوهش‌های پیشین می‌تواند به ارائه نتایج و پیشنهادهای ارزشمند برای آینده پژوهش‌های اجتماعی در افغانستان منجر شود.

جمع‌بندی و نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کاربران شبکه اجتماعی فیسبوک در مواجهه با رویدادهای بیرونی مرتبط با افغانستان، به گروه‌های متکثری تقسیم شده و هویت‌های متمایزی را برمی‌گزینند. این هویت‌ها شامل هویت قومی، هویت ملی و هویت مدرن هستند، که انتخاب هر یک از آنها تا حد زیادی متأثر از جایگاه اجتماعی، تجربه زیسته و باورهای فردی کاربران است. نکته قابل توجه، ظهور و تقویت «هویت مدرن» در میان بخشی از کاربران است که بر ارزش‌های انسانی، همدردی و عدالت‌جویی تمرکز دارد.

در واکنش به خبر بازپس‌گیری پایگاه بگرام، کاربران دیدگاه‌های متنوعی ارائه کردند؛ برخی این اقدام را «اشغال دوباره» توصیف کرده و بر پیامدهای مخرب آن بر منابع انسانی و اقتصادی تأکید کردند، در حالی که گروهی دیگر بر ضرورت دستیابی به آزادی و استقلال واقعی و بر مشارکت برابر شهروندان تأکید داشتند. این تنوع دیدگاه‌ها نشان‌دهنده قابلیت

¹. Intersubjective consensus

تفسیر بی‌نهایت و چندبعدی متن‌ها در فضای مجازی است و با اصول هرمنوتیک مدرن هم‌خوانی دارد.

در مورد بازگشایی مرز میان افغانستان و پاکستان، کاربران بیشتر از واژه «مرز» به جای «خط دیورند» استفاده کردند و بر حفظ استقلال ملی و تقویت تولیدات داخلی تأکید داشتند. انتقاد شدید کاربران از عملکرد سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی، بازتاب‌دهنده نارضایتی انباشته از دخالت‌های خارجی و چالش‌های تاریخی افغانستان است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند همزمان به تقویت هویت قومی و ایجاد نقد اجتماعی کمک کنند، اما به صورت کامل قادر به شکل‌دهی هویت ملی همگرا نیستند.

واکنش‌ها نسبت به درگذشت یکی از مجروحان تیراندازی در واشنگتن نیز سه طیف اصلی را نشان می‌دهد: (۱) بشردوستان که با ابراز همدردی و نکوهش خشونت، هویت مدرن را بازنمایی کردند، (۲) خشونت‌گرایان که با توجیه رفتار خشونت‌آمیز، حامل هویت سنتی-قومی بودند، و (۳) بی‌تفاوتان که واکنش آشکاری نشان ندادند و هویت خنثی داشتند. این دسته‌بندی‌ها نشان می‌دهد که هویت جمعی کاربران نه تنها تحت تأثیر رویدادها، بلکه ناشی از تجربیات تاریخی، اجتماعی و سیاسی آنان نیز است.

پیشنهاد‌های پژوهشی و کاربردی:

پیشنهاد‌های پژوهشی و کاربردی با استناد به یافته‌های این تحقیق، توصیه می‌شود در مطالعات آتی، دامنه موضوعات مورد بررسی گسترش یابد تا واکاوی عمیق‌تری از ابعاد هویت جمعی در فضای مجازی حاصل شود. افزون بر این، تفاوت دیدگاه کاربران نسبت به مسائل بین‌المللی، بازتاب‌دهنده نارضایتی انباشته از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داخلی است. از این رو، پیش‌بینی می‌شود فراهم آوردن بستر مشارکت برابر برای تمامی شهروندان افغانستان، زمینه‌ساز گذار کاربران از علایق پراکنده به سوی دیدگاه هم‌گرا در راستای تقویت هویت ملی باشد.

منابع

آهنگری گلاره؛ ساروخانی باقر و سلطانی فر محمد (۱۳۹۸). شناسایی گونه‌های هویت اجتماعی و نقش رسانه‌های نوین (اینترنت) بر این هویت‌ها؛ مطالعه موردی: جوانان شهر تهران. *مطالعات راهبردی جوانان و ورزش*، ۱۸(۴۵)، ۳۴-۹.

اشراق سید حسین (۱۳۹۱). *هرمنوتیک و پایان‌ناپذیری سلسله تأویل*. مؤسسه مطالعات و تحقیقات نبراس.

ایمان محمدتقی و نوشادی محمود رضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، ۳(۲)، ۴۴-۱۵.

- بیات بهرام و برزیان علی قنبری (۱۳۹۷). تبیین ارتباط رسانه های ارتباط جمعی و فضای مجازی با هویت ملی (مورد مطالعه: جوانان عرب زبان اهواز). *پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی*، ۱۱(۳۴۳)، ۲۸-۱.
- بوستانی داریوش (۱۳۹۰). جوانان و هویت بازاندیشانه: مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*.
- تبریزی منصوره (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۶۴، ۱۰۵-۱۳۸.
- جشوقانی مالک شجاعی (۱۴۰۲). مناسبات هرمنوتیک تجدد و فلسفه علوم انسانی در آرای رضا داوری اردکانی. *فصلنامه علمی روش شناسی علوم انسانی*، ۲۹(۱۱۷)، ۳۵-۴۸.
- درویشیان، سید ابراهیم (۱۴۰۲). اهمیت روش مثلثی در روش تحقیق های علمی. *ژورنال علمی-تحقیقی علوم اجتماعی دانشگاه کابل*، ۶(۳)، ۱۵۳-۱۶۵.
- رهبرقاضی، محمودرضا؛ حاتمی، عباس و عباسی، امین (۱۳۷۹). رابطه شبکه های اجتماعی مجازی و دگرگونی هویت های جمعی (با تأکید بر هویت دینی، ملی و مدرن)، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، دوره ۲۵، شماره ۹۵ - شماره پیاپی ۹۵ پاییز ۱۳۹۷، ۳۳-۵۱.
- جعفری حسن عابدی؛ تسلیمی محمد سعید؛ فقیهی ابوالحسن و شیخزاده محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی. *پرتال جامع علوم انسانی*، ۲(۵)، ۱۵۱-۱۹۸.
- عابدی سراسیا علی رضا (۱۳۹۵). هرمنوتیک مدرن و نظریه تفسیری شهید مطهری. *دوفصلنامه علمی علوم قرآن و حدیث*، ۲(۴۸)، ۹۱-۱۱۷.
- علمی سولا محمد کاظم (۱۳۸۵). هرمنوتیک مدرن و دلایل امکان فهم متن بهتر از ماتن. *مطالعات اسلامی*، ۷۱، ۱۲۷-۱۴۵.
- قائدی محمد رضا و گلشنی علیرضا (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی گرایی تا کیفی گرایی. روش ها و مدل های روان شناختی، ۷(۲۳)، ۵۷-۸۲.
- قاضی رهبر، م، حاتمی، ع. و عباسی، ا. (۲۰۱۸). *رابطه شبکه های اجتماعی مجازی و دگرگونی هویت های جمعی (با تأکید بر هویت دینی، ملی و مدرن)*. مجلس و راهبرد، ۲۵(۹۵)، ۳۳-۵۸.
- ملکیان مصطفی (۱۳۹۷). اثبات گرایی، ابطال گرایی و تأیید گرایی در بوتۀ نقد. *معارف منطقی*، ۸(۵)، ۷۳-۱۰۰.
- موسوی سید محمد (۱۳۸۶). درآمدی بر هرمنوتیک و انواع آن. *پیک نور (ضمیمه زمستان ۱۳۸۶)*، ۵(۴)، ۵۰-۵۶.
- نوابخش فرزاد؛ خادم رسول و آرام هاشم (۱۳۹۲). اینترنت و هویت اجتماعی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، شماره ۵ (پیاپی ۲۱)، ۳۷-۵۴.
- وفایی زاده محمد قاسم (۱۴۰۴). بسط مفهوم «دیگری» در مرزهای تکثر قومی و روند هویت جویی جمعی. *نبراس*، شماره ۹ (ویژه خود و دیگری). بازیابی شده از: <https://www.nebras.eu>.

- Davis, Jenny L., Love, Tont P. & Fares, Phoenicia (2019). Collective social identity: Synthesizing identity theory and social identity theory using digital data. *Social Psychology Quarterly*. <https://doi.org/10.1177/0190272519851025>.
- Efendi, Erwan; Al-Mujtahid, Nazil Mumtaz; Alfuruqi, Muhammad Alif; Khairiah, Nona; Matondang, Abdul Rahman (2023). Identity crisis and multicultural challenges in the dynamics of Indonesian new media: An intercultural communication perspective. *Muharrrik: Jurnal Dakwah dan Sosial*, 3(1), 280–294. <https://doi.org/10.37680/muharrrik.v6i1.5500>.
- Ehsan, Hedayatullah; Ramakee, Abdul Wakil; Barakati, Tamana; Yosufi, Abubakr; Azimi, Shamila; Aminpoor, Hasibullah; Eshraqi, Ali Maisam; Kamal, Fariha; Ghazanfari, Farahnaz; Ibrahimkhil, Munir Ahmad; Nikyar, Mohammad Edriss; Karimi, Ali Sina (2024). The impact of social media in Afghanistan: A multi-disciplinary study. *Journal of Multidisciplinary Healthcare*, 17, 3121–3139. <https://doi.org/10.2147/JMDH.S468845>.
- Fensi, Fabianus (2025). Hermeneutics of social media debates on identity politics from the perspective of communicative action. *Bricolage: Jurnal Magister Ilmu Komunikasi*, 11(1), 75–86. <https://doi.org/10.30813/bricolage.v11i1.k7133>.
- Fominaya, Cristina Flesher (2010). Collective identity in social movements: Central concepts and debates. *Sociology Compass*, 4(6), 393–404. <https://doi.org/10.1111/j.1751-9020.2010.00287.x>.
- George, Theodore (2025). Hermeneutics. In *The Stanford encyclopedia of philosophy*. <https://plato.stanford.edu/archives/fall2025/entries/hermeneutics/#toc>.
- Hoeijmakers, Resie (2025). Collective identities of VSCs: influencing factors and impact. *European Journal for Sport and Society*. <https://doi.org/10.1080/16138171.2025.2509052>.
- Khaeriyah, Khaeriyah & Natsir, Nurasia (2024). Social Dynamics: The Role of Social Media in Shaping Collective Identity. *Momentum Matrix: International Journal of Communication, Tourism, and Social Economic Trends*, 1(4), 56–66. <https://doi.org/10.62951/momat.v1i4.121>.
- Manurung, Elisha Samantha Dewi; Salsabila, Faukha Ilmania; Wirawan, Putu Tanisya Putri; Anggraini, Nadila Dwi (2022). Identity crisis as a threat among Indonesian young generations. *Populasi*, 30(1). <https://doi.org/10.22146/jp.75792>.
- Uysal, Mete S.; Akfirat, Serap A. & Cakal, Huseyin (2022). The social identity perspective of social media leadership in collective action participation. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 32(6), 1001–1014. <https://doi.org/10.1002/casp.2502>.